

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۵ جنوری ۲۰۱۵

مهمترین وقایع سال ۲۰۱۴

(بخش چهارم و پایانی)

افغانستان و پایان مأموریت ناتو در این کشور

امریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) روز یکشنبه ۲۸ دسمبر ۲۰۱۴، رسماً ۱۳ سال جنگ [بخوانید اشغال افغانستان-پورتال] در افغانستان را طی مراسمی در مقر نظامی خود در کابل به پایان رساندند. بنا به دلایل امنیتی، از پیش جزئیات کمی درباره این مراسم انتشار یافته بود.

قرار است کماکان حدود ۱۳ هزار نیروی خارجی برای کمک به آموزش نیروهای رزمی و امنیتی حکومت افغانستان در کشور باقی بمانند. [ادامه اشغال با روش کم هزینه تر-پورتال]

در اوج فعالیت‌های جامعه بین‌المللی [نیروهای اشغالگر-پورتال] در افغانستان، تعداد ۱۴۰ هزار سرباز از ۵۰ کشور برای مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت کشور حضور داشتند. از سال ۲۰۰۱ تاکنون نزدیک ۳۵۰۰ سرباز در راه این مأموریت کشته شده‌اند. [جای داشت همکار عزیز ما از تعداد مردم افغانستان که به وسیله نیروهای اشغالگر به قتل رسیده‌اند، نیز یاد می‌نمود - پورتال]

فعالیت بیش از ۵۰ گروه تروریستی در شهر هرات افغانستان

مقام‌های امنیتی ولایت هرات روز یکشنبه ۲۱ دسمبر ۲۰۱۴ از فعالیت بیش از ۵۰ گروه از مخالفان مسلح دولت در این ولایت خبر دادند.

براساس گزارش شماری از رسانه‌های افغانستان، عبدالرؤف احمدی، سخنگوی فرماندهی پولیس هرات گفته است، بیش از ۵۰ گروه مخالفان مسلح در این ولایت فعالیت دارند که هر گروه متشکل از ۱۰ الی ۲۰ نفر می‌باشد.

احمدی افزود، این گروه‌ها در کشتار سیستماتیک، سرقت، اختطاف و اخاذی دست دارند که تاکنون ۱۴ گروه از این مخالفان به روند صلح پیوسته‌اند.

ولایت هرات در غرب افغانستان یکی از ولایت‌های کلیدی و تجارتي به شمار می‌رود که اخیراً افزایش ترورهای زنجیره‌ای و کشتار سیستماتیک سبب نگرانی بزرگ برای مردم این ولایت شده است.

فاجعه خون‌بار کشتار ۱۳۲ دانش‌آموز کودک در پاکستان

در حالی که هنوز مردم جهان فاجعه خون‌بار کشتار ۱۳۲ دانش‌آموز کودک به دست گروه طالبان پاکستان را از یاد نبرده‌اند، قاتل این کودکان بی‌گناه و طراح قتل‌عام دانش‌آموزان مدرسه، نه تنها از اقدام خود پشیمان نشده بلکه با انتشار ویدیوئی مقامات پاکستان را به انجام حملات مشابهی در آینده تهدید کرد.

طراح قتل‌عام ۱۳۲ کودک بی‌گناه، شخصی ۳۶ ساله است. او پدر سه فرزند، دو دختر و یک پسر و از علاقمندان به ورزش والیبال است که به «النحیل» ملقب شده است.

بنا بر اعلام منابع طالبان پاکستانی، نام وی عمر منصور یا «النحیل» است. او اکنون منفورترین فرد در میان پاکستانی‌ها است. عمر منصور ویدئوئی را در وب‌سایت طالبان منشر کرد. او با ریشی بلند که به قفسه سینه‌اش می‌رسد ظاهر شد و در حالی که انگشت سبابه خود را به علامت خشم تکان می‌داد، تلاش کرد کشتار دانش‌آموزان پاکستانی را توجیه کند. او اما بار دیگر ارتش پاکستان را به انجام عملیات بیش‌تری شبیه عملیات ۱۶ سپتامبر و کشتار کودکان تهدید کرد.

ملا فضل‌الله، روحانی یکی از تندروهای طالبان است که دستور قتل ملاله یوسفزی دانش‌آموز دختر پاکستانی را صادر کرده بود. به گفته اعضای دیگر طالبان عمر منصور تحصیلات متوسطه خود را در اسلام‌آباد پایتخت پاکستان گذراند و سپس در یک مدرسه مذهبی تحصیلات خود را تکمیل کرد.

۷۶ هزار کشته در سال ۲۰۱۴

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که در سال ۲۰۱۴ بیش از ۷۶ هزار در جریان جنگ داخلی سوریه کشته شدند. گزارش دیگری حاکی است که ۱۵ هزار و ۵۳۸ نفر نیز در عراق کشته شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، نهاد ناظر بر حقوق بشر در سوریه روز پنج‌شنبه ۱۱ دی ماه گزارش داد که ۱۷ هزار و ۷۹۰ شهروند غیرنظامی از جمله سه هزار و ۵۰۱ کودک در میان کشته شده‌های سوریه قرار دارند.

۱۵ هزار نیروی شورشی و نزدیک به ۱۷ هزار عضو گروه‌های جهادی شامل جبهه النصره وابسته به القاعده و گروه خلافت اسلامی، داعش سابق، نیز در میان کشته شدگان سوریه هستند.

همچنین آمار ۲۲ هزار و ۶۲۷ نفر نیروی وفادار به بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، که طی سال گذشته کشته شده‌اند در این گزارش مورد اشاره قرار گرفته است.

طی سال ۲۰۱۳ رقم قربانیان جنگ داخلی سوریه ۷۳ هزار و ۴۴۷ نفر، سال قبل از آن ۴۹ هزار و ۲۹۴ نفر و در سال ۲۰۱۱ حدود هفت هزار و ۸۴۱ نفر بوده است، به عبارتی سال گذشته میلادی مرگبارترین سال از زمان آغاز بحران سوریه بوده است.

طی چهار سال گذشته بیش از ۲۰۰ هزار شهروند سوری در جنگ داخلی این کشور کشته شده‌اند.

۱۵ هزار و ۵۳۸ نفر در عراق کشته شده‌اند

خبرگزاری فرانسه در گزارشی جداگانه می‌گوید که طی سال ۲۰۱۴ همچنین ۱۵ هزار و ۵۳۸ نفر در عراق کشته شده‌اند. بر اساس گزارش دولت عراق، این میزان تلفات انسانی از سال ۲۰۰۷ بی‌سابقه بوده است. این آمار توسط وزارت دفاع، بهداشت و وزارت کشور عراق تهیه شده‌اند.

طی سال ۲۰۱۳، شمار قربانیان خشونت‌های داخلی در عراق شش هزار و ۵۲۲ نفر بود، به عبارتی شمار قربانیان سال ۲۰۱۴ نسبت به سال قبل آن بیش از دو برابر افزایش یافته است که علت آن اشغال سریع بخش‌های وسیعی از عراق توسط گروه داعش در تابستان گذشته بود. این گروه بعدها نام خود را به «حکومت اسلامی» تغییر داد.

گروه یاد شده اگرچه بخش‌هایی از مناطق تحت کنترل خود در عراق را پس از آغاز حملات هوایی ائتلاف به رهبری امریکا از دست داده است، با این حال هنوز سه شهر عمده این کشور را در کنترل خود دارد.

نیروهای خلافت اسلامی تا مهرماه توانسته بودند پنج استان عراق را اشغال کنند، اما با آغاز حملات هوایی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا و پیشروی‌های ارتش و کردهای عراق، آن‌ها از برخی مناطق بیرون رانده شدند.

ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا همچنین تاکنون ده‌ها موضع حکومت اسلامی در سوریه را بمباران کرده است.

نیروی هوایی ایالات متحده به طور منظم به تروریست‌های «داعش» سلاح می‌رساند

اعضای پارلمان عراق و نمایندگان مقامات مناطق محلی که در آنجا عملیات نظامی علیه گروه «خلافت اسلامی» انجام می‌شود، مدعی شدند که نیروی هوایی ایالات متحده نه برای اولین بار سلاح و مواد غذایی را به شبه‌نظامیان احاطه شده می‌رساند. روز چهارشنبه ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴، عواد العوادی عضو پارلمان عراق گفت: «این اولین بار نیست که نیروی هوایی ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی سلاح و مواد غذایی را به شبه‌نظامیان «داعش» می‌رساند. طبق گزارش نمایندگان مقامات مناطق قبلاً آن‌ها این کار را در تلعفر، سپس در سنجار و در حال حاضر در نزدیکی با شهر بلد انجام می‌دهند. مفید البلدوی، شهردار بلد (۸۰ کیلومتری از شمال بغداد) به خبرنگاران گفت که در روز جمعه گذشته هلیکوپتر «آپاچی» یک بسته با سلاح را به تروریست‌های احاطه شده در روستای الخضیر رساند. شهردار از دولت مرکزی خواست که تحقیقات فوراً آغاز شود.

روز یکشنبه ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴، کمیته دفاع و امنیت مجلس عراق ایالات متحده را در حمایت از «داعش» بر اساس «شواحد و اثبات تأمین سلاح به شبه‌نظامیان در شهر بلد» متهم کرد.

سفارت امریکا در روز دوشنبه ۲۹ دسامبر، اتهامات عنوان شده علیه نیروی هوایی ایالات متحده و شرکایش در ائتلاف را رد کرد. دیپلمات‌های ایالات متحده گزارش‌های متعدد در مطبوعات محلی و اظهارات مقامات محلی را «اشتباهی» نامیدند.

هواپیمایی ایر-آسیا، ناپدید شد

هواپیمای پرواز شماره ۸۵۰۱ هواپیمایی ایر-آسیا که از اندونزی راهی سنگاپور بود، ناپدید شده است. مقام‌های هواپیمایی ایر-آسیا گفته‌اند عملیات جست‌وجو برای یافتن هواپیما را آغاز کرده‌اند.

گزارش‌های اولیه در این مورد در رسانه‌های اندونزی و به نقل از مصطفی، مقام رسمی وزارت حمل و نقل آن کشور، منتشر شده بود که گفته بود این هواپیما از شهر سورابایا در اندونزی راهی سنگاپور بود که ارتباطش با برج مراقبت قطع شده است.

خبرگزاری رویترز می‌گوید یک مقام رسمی دیگر آن کشور نوع هواپیما را ایرباس ۳۲۰ و شمار مسافران را ۱۵۵ نفر عنوان کرده است. ایر-آسیا نیز در صفحه فیس‌بوک خود اطلاعات مشابهی را منتشر کرده است.

خبرگزاری فرانسه می‌گوید هواپیما ۱۶۲ سرنشین داشته که شش نفر خدمه بوده‌اند. از میان مسافران ۱۶ نفر کودک و یک نفر خردسال است.

بنا بر گزارش‌های اولیه و به گفته وزارت حمل و نقل اندونزی عمده مسافران ۱۴۹ نفر - شهروند اندونزی هستند. یک شهروند سنگاپوری، یک شهروند بریتانیایی، یک شهروند مالزیایی و سه شهروند کره جنوبی نیز در هواپیما بودند.

خبرگزاری فرانسه روز سه‌شنبه ۳۰ دسامبر، خبر داد که در محلی از دریا در جنوب غربی سواحل جزیره بورنئو ده‌ها جسد شناور و قطعات مختلف هواپیما پیدا شده که به احتمال بسیار زیاد مربوط به هواپیمای ناپدیدشده ایر-آسیا است.

ماناهان سیمورانگکیر، سخنگوی نیروی دریایی اندونزی، به این خبرگزاری گفت که یک ناو جنگی این کشور «بیش از ۴۰ جسد را در دریا پیدا کرده و تعداد جسد هائی که یافته می‌شوند رو به افزایش است.»

هواپیمائی ایر-آسیا، یک شرکت هوائی ارائه‌کننده پروازهای ارزان قیمت در مالزی است. این شرکت هوائی، خدمات پروازی بین‌الملل به ۱۰۰ نقطه جهان در ۲۲ کشور ارائه می‌کند.

در سال میلادی رو به پایان دو هواپیمای شرکت هواپیمائی مالزی، دیگر شرکت هواپیمائی بزرگ این کشور، نیز دچار سوانحی نه چندان معمول در تاریخ هوانوردی شدند.

مارچ ۲۰۱۴ نیز هواپیمای ام اچ ۳۷۰ هواپیمائی مالزی ناپدید شد. با وجود همه تحقیقات و جست‌وجوهای گسترده‌ای که در اقیانوس انجام شد، هنوز اثری از هواپیما و ۲۳۹ سرنشین‌اش نیست. حتی هنوز کسی درست نمی‌داند چرا از مسیرش منحرف شده بود. جست‌وجو البته همچنان ادامه دارد، در اقیانوس هند و شهر پرت در شمال غربی استرالیا.

پرواز شمار ۱۷ آن نیز در آسمان اوکراین بر اثر آنچه اعتقاد عموم بر این است [آنهائی که دماغ‌شان راحین فک کردن کردن به رسانه های امپریالیستی و تبلیغات آنها می سپارند - پورتال] برخورد یک موشک زمین به هوا، در منطقه تحت کنترل جدائی‌طلبان هوادار روسیه بوده است، سرنگون شد. همه ۲۹۸ سرنشین آن جان خود را از دست دادند و این رویداد به بحران کم‌سابقه میان غرب و روسیه عمق بیشتری بخشید.

در حالی‌که در پی سوانح هواپیمائی مالزی، این شرکت در مرز ورشکستگی قرار گرفته است، شرکت ایر-آسیا همچنان در سال میلادی ۲۰۱۴ پیشرفت کرده و هواپیماهای تازه‌ای نیز سفارش داده بود.

هواپیمای ناپدید شده خطوط هوائی مالزی

هشتم ماه مارس گذشته، بوئینگ ۷۷۷ خطوط هوائی مالزی کوالالمپور را به مقصد پکن ترک کرد. این هواپیما حدود یک ساعت پس از پرواز، از رادار ناپدید شد. عملیات جستجو به دنبال هواپیما با مشارکت شمار زیادی از کشورها، از همان هنگام آغاز شد اما هیچ‌گاه اثری از هواپیما پیدا نشد.

با این وجود مقام‌های مالزی سقوط هواپیما و کشته شدن همه سرنشینان آن را به دلایل نامعلوم اعلام کردند. جستجوهای بی‌نتیجه پس از آن نیز به منظور یافتن لاشه هواپیمای یا اجساد سرنشینان ادامه پیدا کرد.

وارک دوگان مدیر سابق شرکت هواپیمائی فرانسه می‌گوید که احتمال دارد ایالات متحده امریکا، هواپیمای ناپدید شده خطوط هوائی مالزی را سرنگون کرده اما برای مخفی کردن ماجرا تلاش می‌کند.

به گزارش روزنامه فرانسوی «باری ماچ»، دوگان می‌گوید که نگرانی‌هایی درباره تکرار حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در یک پایگاه نظامی امریکائی در اقیانوس هند وجود داشت.

او ادامه داد که احتمال دارد ایالات متحده موشکی به سمت هواپیمای خطوط هوائی مالزی شلیک کرده باشد تا آن را پیش از رسیدن به پایگاه نظامی سرنگون کند.

دوگان گفت: «هواپیمای بوئینگ ۷۷ به هیچ وجه در محلی که عملیات جستجو صورت گرفته، سرنگون نشده است بلکه باید در نزدیکی پایگاه نظامی امریکا در منطقه دیه گو گارسیا به دنبال آن گشت.»

او با مطرح کردن این سؤال که چگونه یک پایگاه نظامی که همه منطقه را زیر نظر دارد، هیچ اطلاعی درباره سرنگونی هواپیما نداشته باشد، افزود: «به دور از نظریه‌های توطئه، این احتمال وجود دارد که امریکائی‌ها هواپیما را با شلیک موشک سرنگون کرده باشند.»

روزنامه فرانسوی خاطر نشان کرده است که بسیاری از گمانه‌زنی‌ها درباره سرنوشت هواپیمای خطوط هوائی مالزی، به وجود پایگاه نظامی امریکائی دیه گو گارسیا در نزدیکی محل حادثه اشاره کرده‌اند. البته امریکا همواره این گمانه

زنی‌ها را رد کرده با وجود اینکه بسیاری از دلایل وجود دارد که هواپیما از سوی برخی ساکنان جزایر مالدیو در حالی دیده شد که در ارتفاعی پائین در حال پرواز بود.

غرق یک کشتی با ۴۷۶ سرنشین

ماه آوریل ۲۰۱۴، مردم کره جنوبی در بهت و ماتم فرو رفت. یک کشتی با ۴۷۶ سرنشین که بیش‌ترشان بچه مدرسه‌ای بودند، نزدیک جزیره جهجو غرق شد و ۳۰۰ سرنشین آن جان باختند. انبوهی از خطاهای انسانی به‌عنوان عامل این فاجعه ذکر شد، از جمله دست‌کاری غیرقانونی در طراحی کشتی و بار بیش از حد. اما خشم عمومی بیش از هرکس و هر چیز متوجه ناخدای کشتی بود: لی جئون‌سوک. او بود که هدایت کشتی را در آب‌های خطرناک به یکی از کارکنان بی‌تجربه‌اش سپرده بود. او بود که دستور تخلیه کشتی را صادر نکرده بود. و از همه مهم‌تر، خودش پیش از همه کشتی را ترک کرده بود. بعضی‌ها امیدوار بودند به جرم قتل اعدام شود، اما دادگاه او را به‌خاطر کوتاهی در انجام وظیفه به ۳۶ سال حبس محکوم کرد.

پیمان بین‌المللی تجارت سلاح‌های متعارف

نخستین پیمان بین‌المللی تجارت سلاح‌های متعارف از روز چهارشنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴، به اجرا گذاشته می‌شود. براساس این پیمان به کشورهایی که مرتکب «نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت» شده‌اند، سلاح فروخته نخواهد شد.

خبرگزاری فرانسه از نیویورک گزارش می‌دهد که ۱۳۰ کشور تا به حال پیمان بین‌المللی تجارت سلاح را امضاء و پارلمان‌های ۶۰ کشور امضاءکننده نیز آن را تصویب کرده‌اند.

در میان کشورهایی که اجرائی‌شدن این پیمان را تصویب کردند نام کشورهای صادرکننده سلاح چون آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایتالیا نیز به چشم می‌خورد. این کشورها وعده دادند که در اجرای دقیق مفاد این پیمان تلاش کنند.

تجارت جهانی سلاح‌های متعارف به ۸۵ میلیارد دلار (۶۹ میلیارد یورو) در سال می‌رسد. اجرائی‌شدن این پیمان مانع رسیدن سلاح‌های متعارف به کشورهایی که خواهد شد که مرتکب «نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت» شده‌اند.

فعالان حقوق بشری از اجرائی‌شدن این پیمان استقبال کرده و آن «آغاز یک دوران جدید» توصیف کردند.

ماتیاس جان از سازمان عفو بین‌الملل، این پیمان را به عنوان یک «موفقیت بزرگ» ستود. وی تأکید کرد که صادرکنندگان اسلحه در آینده باید به وضعیت حقوق بشر در کشورهایی که به آن‌ها سلاح فروخته می‌شود دقت کنند.

آنامک دونالد، مدیر «ائتلاف کنترل تسلیحات» تأکید می‌کند که به دیکتاتورها و ناقضان حقوق بشر دیگر اسلحه فروخته نخواهد شد. در ائتلاف کنترل تسلیحات حدود ۱۰۰ سازمان غیردولتی از جمله عفو بین‌الملل عضویت دارند.

رئیس ائتلاف کنترل تسلیحات اضافه می‌کند اگر پیمان بین‌المللی تجارت سلاح‌های متعارف با جدیت به اجرا گذاشته شود، جان انسان‌های زیادی را نجات خواهد یافت.

امضای نخستین پیمان بین‌المللی تجارت سلاح‌های متعارف پس از امضای قرارداد منع آزمایشات اتمی در سال ۱۹۹۶ مهم‌ترین پیمان مربوط به تسلیحات محسوب می‌شود. پیمان جدید شامل سلاح‌های سبک کمری تا هواپیماهای جنگی و موشک‌ها می‌شود.

امریکا و اسرائیل هفته پیش به این پیمان پیوستند. پارلمان ۷۰ کشور هنوز این پیمان را تصویب نکرده‌اند. روسیه، چین و کانادا به عنوان مهم‌ترین صادرکنندگان اسلحه در جهان این پیمان را امضا نکردند.

قرار است نخستین نشست کشورهای امضاءکننده این پیمان در سپتامبر ۲۰۱۵ در مکزیک برگزار شود.

۱۱ درصد کودکان جهان کار اجباری می‌کنند

آمارهای جهانی نشان می‌دهد ۱۱ درصد از کودکان در سراسر جهان در معرض کار اجباری هستند. در حال حاضر ۱۶۸ میلیون کودک در سراسر جهان در معرض کار اجباری هستند اما از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ آمار این کودکان به یک سوم کاهش یافته است. سازمان بین‌المللی کار در گزارشی اعلام کرد: در تمام کشورهای جهان مسأله آزار و اذیت کودکان و کار اجباری وجود دارد اما به رغم خطر ۱۱ درصدی کار اجباری در جهان، این آمار هر سال در حال کاهش است چرا که بسیاری از کشورها اقدامات قانونی خود را برای مبارزه با کار اجباری کودکان افزایش داده‌اند. سی‌اس مانیتور در این‌باره گزارش داد، در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴، امریکای لاتین و کشورهای حوزه دریای کارائیب توافقنامه‌ای را امضاء کردند که به موجب آن تمام انواع کار اجباری کودکان را تا سال ۲۰۲۰ میلادی در این مناطق ریشه‌کن کنند.

با وجود روند رو به کاهش سالانه آمارهای جهانی کار اجباری کودکان، این روند در سطح جهانی و منطقه‌ای به کندی پیش می‌رود. کار اجباری کودکان، علت و معلول فقر در جوامع مختلف است و بر کودکان، خانواده‌های آنها، کشور و رشد جوامع تأثیر سوء می‌گذارد. کشورهای امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب رتبه سوم را به لحاظ بالاترین نرخ کودکان کار در جهان دارند. رتبه‌های اول و دوم به ترتیب مربوط به کشورهای آفریقایی و آسیا-اقیانوسیه می‌شود. هرچند در کشورهای آفریقایی این آمار کاهش یافته اما این روند به کندی پیش می‌رود.

گزارش اخیر سازمان بین‌المللی کار به کشورهای آفریقایی هشدار می‌دهد که هرچه سریع‌تر با این مسأله مبارزه کنند. گزارش این سازمان همچنین به تغییر نوع کار اجباری کودکان اشاره می‌کند. پیش از این کودکان (۵۹ درصد) در بخش کشاورزی مجبور به کار بودند اما امروزه به کارگیری آنها در بخش‌های خدماتی بیشتر شده است.

سازمان بین‌المللی کار: رکوردشکنی خاورمیانه در بیکاری جوانان

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، نرخ بیکاری جوانان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بیش‌ترین سطح در تمام دنیا است؛ در سال گذشته نرخ بیکاری جوانان در خاورمیانه برابر با ۲۷/۲ درصد و در کشورهای شمال آفریقا برابر با ۲۹ درصد بوده است.

به گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۴ میلادی، نرخ مشارکت نیروی کار در فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا برابر با ۴۹/۲ درصد بوده است که نسبت به سال ۲۰۰۹ میلادی ۱/۲ درصد رشد داشته است. در این سال نرخ بیکاری در این کشورها برابر با ۱۱/۵ درصد بوده که در مقایسه با سال ۲۰۰۹ میلادی ۱/۱ درصد رشد کرد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۸ میلادی در همین سطح باقی بماند.

سازمان بین‌المللی کار در این گزارش نرخ بیکاری مردان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را برابر با ۹ درصد و نرخ بیکاری زنان را برابر با ۲۱/۱ درصد اعلام کرده است. اما مهم‌ترین مسأله آن است که نرخ بیکاری جوانان که مهم‌ترین تشکیله‌دهندگان بازار کار هستند و می‌تواند جهت‌گیری آینده اقتصاد کشورها را تعیین کنند در سال ۲۰۱۴ میلادی برابر با ۲۸/۶ درصد بود و تا سال ۲۰۱۸ میلادی هم به ۲۹/۱ درصد خواهد رسید.

نگران‌کننده‌ترین بخش این گزارش این‌جاست که با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در توسعه فرصت‌های شغلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا انجام شده است، نمی‌توان انتظار داشت تا سال ۲۰۱۸ میلادی تغییر زیادی در وضعیت شغلی در این منطقه ایجاد شود. به گزارش اقتصادی‌نیوز، این وضعیت در مورد شرایط شغلی جوانان

محسوس‌تر خواهد بود. بر این اساس، انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۴ میلادی نرخ رشد اشتغال جوانان منفی ۱/۴ درصد باشد؛ در حالی که نرخ رشد اشتغال در کشورهای این منطقه به طور کلی برابر با ۲/۴ درصد خواهد بود. از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۸ میلادی بیشترین نرخ کاهش فرصت‌های شغلی جوانان در سال ۲۰۱۱ میلادی اتفاق افتاده است. در این سال نرخ رشد فرصت‌های شغلی برابر با منفی ۲/۸ درصد بوده است. نرخ رشد اشتغال جوانان در سال ۲۰۱۸ میلادی به منفی ۰/۳ درصد می‌رسد و این رشد منفی در شرایطی که هر روز بر شمار جوانان جویای کار در این منطقه افزوده می‌شود، آسیب اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه خواهد داشت. نرخ بیکاری جوانان در کشورهای عربستان سعودی و فلسطین و تونس بیش‌تر از دیگر کشورهای منطقه است.

وضعیت پناهجویان در جهان

در سال ۲۰۱۴ انسان‌های بسیاری در فرار از جنگ و بحران و گرسنگی از راه دریا به اروپا گریختند. کم نبودند انسان‌هایی که تلاش آن‌ها برای فرار از تیرمروزی به مرگ و فاجعه ختم شد. بسیاری از پناهجویان که به امید زندگی بهتر تن به سفرهای خطرناک می‌دهند یا در میانه راه در طوفان حوادث غرق می‌شوند و یا به دست تبه‌کارانی که به دنبال تاراج اموال زندگی برخی افراد ناآگاه هستند، کشته می‌شوند. بنا به آمار سازمان‌های بین‌المللی، شمار پناهجویانی که قصد داشتند از راه دریا خود را به سواحل امن اروپا برسانند، در سال ۲۰۱۴ به میزان بی‌سابقه‌ای رسید. به گفته «کمیساریای عالی امور پناهندگان» در سال ۲۰۱۴، روی هم نزدیک ۳۵۰ هزار نفر از راه دریا به سوی سواحل جنوب اروپا روانه شدند. باندهای سودجو دواطلبان را با قایق‌های کوچک و ناامن به سفر دریایی می‌فرستند. خطر مرگ و بیم هلاک مانع از آن نیست که انسان‌های به ناچار از زادبوم خود فرار کنند. در سال ۲۰۱۴ روی هم بیش از ۴۳۰۰ نفر در این سفر مرگبار جان خود را از دست دادند. بنا به آمار سازمان ملل در طول سال ۲۰۱۴ بیش‌تر پناهجویان، یعنی حدود ۲۰۷ هزار نفر از آن‌ها با عبور از دریای مدیترانه خود را به جنوب اروپا رساندند. این رقمی بسیار بالا و سه برابر تعداد پناهجویانی است که در سال ۲۰۱۱ به اروپا رسیدند، که خود رکوردی بالا داشت. در آن سال حدود ۷۰ هزار نفر به اروپا آمدند. بیش‌تر افرادی که در سال جاری به اروپا گریختند، از کشورهای بحران‌زده مانند عراق و سوریه هستند و گاه از کشورهایمانند اریتره. بیش‌تر این افراد از مخاطرات راه باخبر هستند، اما شرایط زندگی آن‌ها چنان وخیم است که به هر خطری تن می‌دهند. افزون بر این به گفته نهاد وابسته به سازمان ملل متحد، در سال جاری بیش از ۸۰ هزار نفر خود را با قایق و کشتی از خلیج عدن و دریای سرخ به کشورهای عربی رساندند. بیش‌تر این افراد تبعه اتیوپی و سومالی بودند. عبور از آسیای جنوب شرقی و دریای کاریبیک راه پرخطر دیگری است که به تازگی در برابر پناهجویان باز شده است. مقصد نهایی بیش‌تر این افراد قاره اروپا است. در آخرین گزارش از کسانی که توانسته‌اند به اشکال مختلف درخواست پناهندگی بگیرند شبکه پذیرش پناهجوی اروپا (resettlement.eu) در سال ۲۰۱۴، ۲۰ کشور لیست پذیرش پناهجویی، اهدای ویزای انسان‌دوستانه و لیست از تعداد اسپانسرهای فردی را مشخص کرده است. مجموع پذیرش ویزای انسان‌دوستانه و پذیرش پناهجویی شبکه پذیرش پناهجوی اروپا به غیر از ایالات متحد آمریکا به ۱۸۹۰۰ نفر می‌رسد.

وضعیت مهاجران

بانک HSBC هر سال گزارشی را منتشر می‌کند با عنوان «بررسی وضعیت مهاجران». امسال ۲۰۱۴ نیز طبق روال هر سال در جدیدترین گزارش خود با بیش از ۹ هزار مهاجر در ۱۰۰ کشور دنیا مصاحبه کرده‌اند و از آن‌ها درباره زندگی جدیدشان پرسیده‌اند.

در این گزارش کشورها در سه بخش مجزا و متفاوت رتبه‌بندی شده‌اند:

۱- بهترین‌ها به لحاظ کیفیت و تجربه زندگی جدید

۲- بهترین‌ها از دید وضعیت اقتصادی

۳- بهترین‌ها به لحاظ وضعیت بزرگ کردن بچه‌ها در کشور جدید

نکته جالب این‌جاست در هر کدام از این سه بخش کشورهای متفاوتی رتبه‌های بالا را از آن خود کرده‌اند.

نیوزلند در بخش کیفیت و تجربه زندگی جدید اول شده، در حوزه اقتصاد مهاجرت چین رتبه اول را از آن خود کرده و در بخش بزرگ کردن بچه‌ها نیوزلند بهترین کشور به حساب می‌آید. در کل (با در نظر گرفتن هر سه حوزه) کشورهای سوئیس، سنگاپور و چین بهترین کشور برای مهاجران معرفی شده‌اند. در این فهرست کانادا رتبه یازدهم را به دست آورده است.

هک شدن شرکت سونی

سونی پیکچرز پس از تهدیدات و حملات هکرها برنامه اکران فیلم «مصاحبه» را لغو کرد. اما مدتی بعد این شرکت اعلام کرد که این فیلم را در تعدادی محدود از سینماها اکران خواهد کرد. مقامات امریکائی معتقدند که کره شمالی پشت این حمله سایبری بوده است. با این حال مقامات هنوز در حال جمع کردن شواهد و مدارکی هستند که ثابت کند این حملات سایبری با دستور چه کسی و چگونه انجام شده است.

روزنامه‌نگاران

سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارشی که در دو هفته پایانی سال ۲۰۱۴ منتشر کرده، می‌گوید حملات علیه خبرنگاران «وحشیانه‌تر» شده، ربودن آن «افزایش یافته» و ۶۶ نفر از آن‌ها در این سال جان خود را از دست داده‌اند. در عین حال در این گزارش، ایران سومین «زندان روزنامه‌نگاران» در جهان معرفی شده است.

این سازمان در گزارش خود در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴ برابر با ۲۵ آذر ۱۳۹۳، می‌گوید سر بریدن جیمز فولی و استیون ساتلاف، خبرنگاران امریکائی به دست گروه «حکومت اسلامی» نمایانگر خطر بسیار زیادی است که خبرنگاران را تهدید می‌کند.

به گفته این سازمان غیردولتی «بسیار کم پیش آمده بود که خبرنگاری در چنین صحنه تبلیغاتی وحشیانه‌ای کشته شود؛ آنچه تمام جهان را در حیرت فرو برد.»

با این همه تعداد خبرنگارانی که در سال جاری میلادی کشته شده‌اند در مقایسه با سال گذشته کمی کاهش داشته است. در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۷۱ خبرنگار جان خود را از دست دادند.

به گفته «گزارشگران بدون مرز» این کاهش در شمار قربانیان به کاهش قربانیان در «کشورهای که در صلح به سر می‌برند»، باز می‌گردد.

از سال ۲۰۰۵ میلادی تا کنون، مجموعاً ۷۲۰ خبرنگار کشته شده‌اند. با این همه شمار ربودن خبرنگاران در مقایسه با سال گذشته میلادی با تقریباً ۴۰ درصد رشد روبه‌رو بوده است.

در این میان از مجموع ۱۱۹ نفر، ۳۳ نفر در اوکراین، ۲۹ نفر در لیبی و ۲۷ نفر در سوریه رپوده شده‌اند. ۴۰ نفر از این خبرنگاران هنوز گروگان هستند.

گزارش این سازمان غیردولتی در عین حال نشان‌دهنده «بهای سنگینی» است که خبرنگاران محلی پرداخت کرده‌اند. در مجموع ۹۰ درصد رپوده‌شدگان از میان آن‌هاست.

به گفته «گزارشگران بدون مرز» تا هشتم ماه دسامبر، در جهان، ۱۷۸ روزنامه‌نگار حرفه‌ای در زندان بوده‌اند. در این میان چین با ۳۳ روزنامه‌نگار و اریتره و ایران با ۲۸ و ۱۹ روزنامه‌نگار زندانی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارشی در مرداد ماه ۱۳۹۳ نیز گفته بود ایران با داشتن ده زن در زندان که برای رسانه‌ها کار می‌کنند یا روزنامه‌نگار هستند، «پیشگامی جهانی» در محبوس کردن «زنان روزنامه‌نگار و فعال اینترنتی» است.

یک سوم از کل ۱۹۶ کشور جهان پرچم‌های ملی خود را با نشانه‌ها و علائم مذهبی

بر اساس تحقیق جدید مؤسسه «Pew Research»، یک سوم از کل ۱۹۶ کشور جهان پرچم‌های ملی خود را با نشانه‌ها و علائم مذهبی تزئین کرده‌اند.

حدود نیمی (۴۸ درصد) از این ۶۴ کشور را کشورهای مسیحی تشکیل می‌دهند. یک سوم (درصد ۳۳) از ملل اسلامی هستند. کشورهای اسلامی و مسیحی بزرگترین گروه از این دسته هستند که سمبل‌های مذهبی را بر پرچم‌ها خود نقش داده‌اند.

علائم مسیحی بر ۳۱ پرچم جهان از اروپا، آسیا گرفته تا اقیانوس آرام و آمریکا وجود دارند. برای نمونه پرچم بریتانیا که به «Union Jack» معروف و شناخته می‌شود از نقوش سه صلیب سنت جرج، سنت پاتریک و سنت آندریو تشکیل شده است.

کشورهای مشترک المنافع که متشکل از مستعمره‌های سابق بریتانیاست سعی کرده‌اند که پرچم بریتانیا را با پرچم‌های ملی خود به اشکالی ادغام کنند. این کشورها شامل فیجی، تاوولو، استرالیا و زلاند نو هستند. نروژ، اسپانیا، یونان، جمهوری دومینیکن، دانمارک، سوئد، فنلاند و ایسلند از دیگر کشورهایی هستند که علائم و صلیب مسیحیت در پرچم‌های آن‌ها ادغام شده‌اند.

علائم و سمبل‌های اسلامی بر پرچم‌های ۲۱ کشور صحرای سفلی (کشورهای پائین‌تر از کشورهای عربی شمال آفریقا) آسیا، اقیانوس آرام و خاورمیانه نقش بسته‌اند. برای نمونه پرچم بحرین دارای ۵ زاویه است که از ۵ ستون دین اسلام برگرفته شده است. الجزایر، ترکیه، برونئی و ازبکستان، به اتفاق بسیاری از کشورهای دیگر، ستاره و هلال را به عنوان سمبل اسلامی در پرچم‌های ملی خود دارند. پرچم سنگاپور نیز دارای ستاره و هلال است، اما این‌ها مفهومی مذهبی ندارند چون این کشور اسلامی نیست. هلال در پرچم سنگاپور بر اساس توجیه دولت این کشور، به معنای صعود کشوری جدید و ۵ ستاره در آن، ۵ ایده دموکراسی، صلح، توسعه، عدالت و مساوات را به نمایش می‌گذارد.

علائم بودائی و هندو در ۵ پرچم دنیا نقش بسته است که در سه عدد از این ۵ پرچم سمبل مشترک هر دو دین وجود دارد. این سه کشور که مشترکا علائم ادیان هندو و بودائی را دارند عبارتند از کامبوج که تصویر معبد آنکور متعلق به هر دو دین را در پرچم خود حمل می‌کند و دیگری پرچم نپال است که سمبل‌های این دو دین را بنابر ترکیب جمعیتی این کشور نمایان می‌سازد. سومی پرچم بزرگترین دموکراسی جهان هندوستان است. در این تنها پرچم «چاکرای آبی» (دایره چرخ ماندی که در فلسفه هند ۷ عنصر تشکیل‌دهنده روح و انسان است) را در وسط پرچم داریم که سمبل هر دو دین است.

این تنها اسرائیل است که پرچمش دارای سمبل‌های یهودی است، که این سمبل‌ها متشکل از ستاره داوود با زمینه آبی و سفید می‌باشد که سمبل شالی است که یهودیان هنگام عبادت روی شانه‌های خود می‌اندازند.

۶ کشور دیگر هم پرچم‌هایشان با علایم مختلف مذهبی آمیخته است. به عنوان نمونه پرچم ژاپن دارای یک «هینومارو» یا آفتاب در حال طلوع است که نماینده دین «شینتو»، دین اکثریت مردم این کشور در دوران سابق امپراطوری است. در پرچم‌های ارورگوئه و آرژانتین، خورشید طلایی نقش بسته‌اند. آفتاب طلایی سمبلی است از خدای آفتاب به نام «اینٹی» در تمدن «اینکا» است. اینکا تمدن قدیمی امریکائی جنوبی پیش از ورود اروپائیان است. در پرچم مکزیک، خدای «آزتیک» به نام «هیوتزیلیوپوچتلی» دیده می‌شود که تصویری افسانه‌ای است که یک عقاب ماری را در منقار داشته و باور بر این است که مردم «آزتیک» را راهنمایی می‌کند که معبد «تینوچیتلان» را بنا سازند.

اما پرچم امریکا نشانه دینی ندارد، اما پرچم‌های برخی از ایالات این کشور حامل سمبل‌های مذهبی هستند. به عنوان نمونه پرچم نیومکزیکو دارای خورشیدی است که شعاع آن به سوی بیرون می‌تابد که تاریخ روحانی «زیا پیوبلو» را به تصویر می‌کشد. از میان دیگر ولایات امریکا آلاباما و فلوریدا هستند که پرچم‌های آن‌ها صلیب سنت آندریو را بر خود دارند.

«سود کثیف»

نهادهای مدافع حقوق بشر و دوستدار محیط زیست می‌کوشند آسیب‌های کنسرن‌های چند ملیتی به طبیعت و حقوق انسانی را روشن سازند. در پیوند با این موضوع و از سه سال پیش تاکنون، سازمان غیرانتفاعی «Facing Finance»، در روز ۱۰ دسامبر (روز جهانی حقوق بشر) اقدام به انتشار گزارشی موسوم به «سود کثیف» می‌کند. سومین گزارش «سود کثیف» در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴، محصول همکاری نهادهای مدنی متعدد است. بیش از ۳۰ پژوهشگر از ۱۰ کشور جهان در نوشتن این گزارش ۱۱۲ صفحه‌ای نقش داشته‌اند. مواردی از نقض جدی توافقات و استانداردهای تثبیت‌شده بین‌المللی در این گزارش مستند شده‌اند. ۲۵ شرکت بحث‌برانگیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند که جمعاً در سال ۲۰۱۳ درآمدی بالغ بر ۴۱۹۰ میلیارد یورو داشته‌اند. از این میزان ۴۵۰ میلیارد یورو سود خالص بوده است.

«ادوارد جی اپستاین» روزنامه‌نگار پژوهشی امریکائی می‌گوید: «تمام فرهنگ هالیوودی بر اساس لاپوشانی بنا شده است.» اپستاین مدتی طولانی را به صورت ناشناس، صرف تحقیق برای نگارش کتاب «اقتصاددانان هالیوود» کرده و اعتقاد دارد که هالیوود تا کنون در پنهان نگاه‌داشتن شیوه‌های ناعادلانه ساز و کار خود موفق بوده است.

سوءرفتارهای هالیوود ریشه در سیستم آن دارد. برخلاف انتظارات و خیالی‌های هنرمندان، هالیوود هم مانند هر صنف دیگری هدفی جز دستیابی به سود حداکثری ندارد. یکی از عادت‌ها و گرایش‌های نهادینه شده هالیوود، در نظر گرفتن سلیقه مردان جوان سفید پوست در تولیدات سینمایی است.

اپستاین در توضیح این موضوع می‌گوید: «مردان جوان و سفیدپوست امریکائی، اکثریت تماشاچیان سالن‌های سینما در روزهای جمعه و شنبه را تشکیل می‌دهند. آن‌ها مشتریان اصلی فیلم‌ها هستند و به نوعی از هنرپیشه‌های مرد سفیدپوست الگوبرداری می‌کنند.»

پیامد چنین رویکردی، می‌تواند گرایش‌های سکسیتی و راسیستی باشد. علیه این پدیده هم تاکنون جز هشدار، اقدام دیگری انجام نشده اما افشای اسرار درونی هالیوود می‌تواند راهی به گفت‌وگوی بیشتر در این عرصه باز کند.

هشدارها تاکنون حول مشاهدات و قراردادهای غیرعلنی بنا می‌شدند، اینک اما مدارک غیرقابل انکاری در اسناد لو رفته وجود دارند. فهرست‌های حقوقی و بسیاری ایمیل‌ها، می‌توانند مستمسک اعتراض به تبعیض جنسیتی یا شغلی در هالیوود قرار گیرند.

دوین مکرری، وکیل ساکن لس‌آنجلس در مورد ماجرای لاورنس می‌گوید: «طبیعتاً موضوع پرداخت کمتر به او امری غیرقانونی و قابل شکایت است، به شرطی که دلیل این امر زن بودن او باشد.»

به گمان این وکیل که در دعوای حقوقی صنعت نمایش و سرگرمی تخصص دارد، لاورنس چنین اقدامی نخواهد کرد اما «احتمالاً در قراردادهای آینده این موضوع را دستاویز قرار خواهد داد.»

در موردی دیگر، اظهارنظرهای دو تن از مدیران سونی‌پیکچرز می‌تواند مصداقی نژادپرستانه باشد. در یکی از ایمیل‌های رد و بدل شده بین امی پاسکال که قرار بود به زودی به دیدار باراک اوباما برود و اسکات رودین (تهیه‌کننده)، هر دو گمانه‌زنی می‌کنند که اوباما از فیلم‌هایی مانند جانگوی آزاد شده و ۱۲ سال بردگی بیش‌تر خوش خواهد آمد چرا که بازیگران اصلی‌شان سیاهپوست هستند.

از جمله موارد دیگری که هرکها افشا کرده‌اند روش «حسابداری هالیوودی» است که از قرار معلوم، روشی معمول است. استودیوهای فیلم‌سازی برای کاهش پرداخت حق امتیاز یا سهم سود بازیگران و فیلمنامه‌نویس‌ها، هزینه‌ها را به شکل مصنوعی بیش‌تر از حد واقعی محاسبه می‌کنند. به گزارش هالیوود ریپورتر که بر اساس اسناد لو رفته تنظیم شده، بسیاری از فیلم‌های سال گذشته از جمله «کلاهبرداری امریکائی» بسیار سودآورتر از آن بوده‌اند که اعلام شدند.

واحد تحقیقاتی فوربس در گزارش‌های سالانه «Global 2000» خود لیستی جامع از بزرگترین و قدرتمندترین شرکت‌های سهامی عام جهان در سال ۲۰۱۴ را منتشر کرده است، این رده‌بندی براساس معیارهایی نظیر سطح درآمد، سودآوری، میزان دارائی‌ها و ارزش بازار تهیه شده است.

گزارش امسال Global 2000 دربرگیرنده شرکت‌هایی از ۶۲ کشور جهان است، این در حالی است که گزارش سال ۲۰۰۳ میلادی، شرکت‌هایی از ۴۶ کشور از سراسر جهان را در بر داشت. به طور کلی، مجموع درآمد این شرکت‌ها ۳۸ تریلیون دلار، سود آن‌ها برابر با ۳ تریلیون دلار، ارزش دارائی‌ها برابر با ۱۶۱ تریلیون دلار و ارزش بازار این شرکت‌ها ۴۴ تریلیون دلار برآورد شده است. بیش‌ترین رشد در ارزش بازار و برابر با ۱۳ درصد بوده است. این شرکت‌ها ۹۰ میلیون نیروی انسانی را در سراسر جهان در خدمت خود دارند. برای اولین بار جایگاه اول تا سوم این رده‌بندی متعلق به سه شرکت سهامی عام از کشور چین است. ۵ شرکت از ۱۰ شرکت برتر نیز چینی هستند. بانک سهامی عام ICBC چین برای دومین سال متوالی مقام اول این رده‌بندی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که بانک Construction چین در جایگاه دوم قرار دارد و بانک Agricultural چین با جهشی قابل توجه از مقام پنجم به جایگاه سوم صعود کرده است. در کنار دستاوردهای بزرگ کشور چین، نیمی دیگر از رده‌بندی ۱۰ شرکت برتر به ایالات متحده امریکا تعلق دارد.

شیوع ویروس ابولا

ویروس ابولا در سال ۲۰۱۴ غرب آفریقا را ویران کرد و نزدیک ۷۰۰۰ کشته بر جای گذاشت. این بیماری موجب بروز نگرانی‌های بین‌المللی بسیاری شد و آسیب‌های فراوانی به اقتصاد در حال شکوفائی این قاره وارد کرد. این بیماری ویروسی واگیردار کشنده، لیبریا، سیرالئون و گینه را نابود کرد. برخی پرستاران و فعالان امور بهداشتی نیز با آمدن به امریکا و اروپا خطرات بی‌شماری را پدید آوردند.

این گزارش می‌گوید تاکنون از کسانی که به عنوان امدادگر به مبتلایان ابولا فعالیت می‌کرده‌اند، ۶۳۹ تن به این ویروس گرفتار شده‌اند که ۳۴۹ تن آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند. ابولا هنوز هیچ دارو و درمان مشخص و تأیید شده‌ای ندارد و روش‌های درمانی و داروهایی که علیه آن استفاده می‌شود در مراحل آزمایشی هستند.

نگرانی دانشمندان از ریزپلاستیک‌ها

بر اساس یک گزارش سازمان ملل، سالانه بیش از ۶ میلیون تن زباله به دریا ریخته می‌شود. تخمین زده می‌شود که اکنون ۱۴۲ میلیون تن زباله در اقیانوس‌ها انباشته شده باشد. انباشتگی زباله در اقیانوس‌ها از جنبه‌های گوناگون تأثیری مخرب بر محیط زیست دارد. اگر این زباله‌ها از سوی موجودات دریایی، لاکپشت‌ها و پرندگان به عنوان غذا مصرف شود، موجب مرگ آنان می‌شود. در شمار زیادی از موارد نیز این موجودات زنده درون این زباله‌ها گیر می‌افتند، که این امر نیز مرگ آنان را در پی دارد. مواد پلاستیکی بسیار بادوام هستند و تجزیه آن‌ها اغلب صدها سال طول می‌کشد. پژوهشگران اما در این میان بیش از همه نگران ریزپلاستیک‌ها (در اصطلاح میکروپلاستیک) هستند که عواقب خطرناک زیست‌محیطی به همراه دارند. این ذرات سمی حامل آلاینده‌های خطرناکی هستند که می‌توانند وارد چرخه غذایی موجودات دریایی شوند. تحقیقات نشان داده‌اند که میکروپلاستیک‌ها سرطان‌زا هستند و می‌توانند تأثیرات منفی روی هورمون‌ها داشته باشند.

شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۴

طبق آمار سال ۲۰۱۴ این سازمان، ایران در بین کشورهای جهان، هفتاد و پنجمین کشور است. البته کشور از سال ۱۹۸۰، روند رو به صعودی را در این شاخص طی کرده است. شاخص توسعه انسانی، در کشورهای مورد بررسی دارای چند زیرمجموعه است. زیر مجموعه‌هایی که شامل سلامت، آموزش، درآمد، نابرابری، جنسیت، فقر، اشتغال، امنیت، تجارت و سرمایه و امور مالی در جریان، تحرک اجتماعی و ارتباطات، جمعیت‌شناسی و محیط زیست. البته هرکدام از این زیرمجموعه‌ها، بخش‌های خود را دارند و در هر کدام از آن‌ها درصد و آمار و ارقام نوشته شده است. در شاخص محیط زیست، سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن ایران ۷/۶۸ تن است. طبق بررسی UNDP، ۹۹/۵۲ درصد از منابع انرژی اصلی ایرانی‌ها، سوخت‌های فسیلی است. همین‌طور، براساس این گزارش، ۱۹/۶ درصد از منابع طبیعی ایران در سال ۲۰۱۴ کاهش پیدا کرده است. البته ۶/۸ درصد از مساحت کل زمین ایران، منطقه جنگلی است. اما طبق آن چیزی که سازمان جهانی برنامه توسعه انسانی اعلام کرده، ۶۷/۸۵ درصد از کل منابع آب تجدیدپذیر ایران برداشت می‌شود. همین‌طور، گزارش سازمان ملل می‌گوید، ۲۵/۱ درصد از جمعیت ایران در زاغه‌ها زندگی می‌کنند. به عبارتی این میزان، می‌شود یک چهارم از جمعیت ۷۷ میلیون نفری کشور. علاوه بر این، تعداد مرگ و میر ایرانی‌ها بر اثر بلایای طبیعی هر سال در هر یک میلیون نفر، ۱/۸ نفر تخمین زده شده است.

جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴

برای اولین بار جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴، به کسانی تعلق گرفت که حقشان است. چرا که جایزه صلح نوبل مانند دیگر جوایز آن، نخست از غربال سیاسی نهادهای قدرتمند سیستم سرمایه‌داری و دولت‌ها می‌گذرد و سپس با در نظر گرفتن مصلحت‌های سیاسی و دیپلماتیک اعطا می‌گردد.

به تصمیم آلفرد نوبل، بنیان‌گذار این جایزه، اعضای کمیته پنج نفره‌ای که برنده جایزه صلح نوبل را هر سال انتخاب می‌کند، با رای پارلمان نروژ تعیین می‌شوند. ارزش جایزه صلح نوبل یک میلیون و دویست هزار دالر است که هر ساله در روز دهم دسامبر به برندگان در مراسمی در شهر اوسلو پایتخت نروژ اهدا می‌شود.

«ملاله یوسفزی - Yousafzay Malala» از پاکستان و «کایلش ساتیاری» (Kailash Satyarthi) از هند دو برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴ هستند. دو برنده جایزه صلح نوبل در زمینه حقوق کودکان فعالیت می‌کنند.

کمیته انتخاب برنده جایزه صلح نوبل، از مبارزه این دو نفر علیه سرکوب حقوق کودکان و جوانان و تلاش آن‌ها برای حق همه کودکان در آموزش تقدیر کرد.

رئیس کمیته نروژی نوبل در این‌باره گفت: کودکان باید به مدرسه بروند در غیر این صورت مورد سوءاستفاده مالی قرار می‌گیرند. رئیس کمیته نوبل اعلام کرده است که ملاله یوسفزی به دلیل تلاش‌هایش برای ارتقاء سطح تحصیل دختران در پاکستان این جایزه را دریافت می‌کند. ملاله جوان‌ترین فرد در تاریخ نوبل است که برنده این جایزه شده است.

ملاله در کنفرانسی خبری گفت: این جایزه متعلق به تمام کودکان بی‌دفاع است که حق اعتراض ندارند و حرف‌های آن‌ها باید شنیده شود. وی گفت: این جایزه به من برای انگیزه و آرمان‌هایم جرات می‌دهد. من از تمام کودکان سراسر جهان می‌خواهم تا برای گرفتن حقوق خود به پاخیزند. من حقیقتاً احساس افتخار، قدرت و جرات می‌کنم چرا که این جایزه تنها یک جسم فلزی یا مدالی نیست که به گردن انداخته و یا آن را در گوشه‌ای از اتاق خود قرار دهید. این جایزه به من جرات می‌دهد تا راه خود را ادامه دهم.

اکتبر سال ۲۰۱۲ میلادی زمانی که ملاله با بقیه بچه‌ها در اتوبوس مدرسه نشسته بود، گروهی از مردان طالبان اتوبوس را متوقف می‌کنند و بالا می‌آیند. مردی فریاد می‌زند: «بگوئید کدام‌تان ملاله‌اید، اگر دهان‌تان را باز نکنید، همه را می‌کشیم» ملاله شناسائی می‌شود و مردان به سرش شلیک می‌کنند. او به شدت زخمی می‌شود، اما زنده می‌ماند و برای درمان به انگلیس منتقل می‌شود.

کایلش ساتیاری ۵۳ ساله و از فعالان حقوق کودکان و پیشرو در مبارزه با کار اجباری کودکان است. به همت او و هم‌نظرانش تاکنون ده‌ها هزار کودک در هند از کار اجباری خلاص شده و به بازپروری و تحصیل روی آورده‌اند.

کایلش ساتیاری که مهندس برق است، به همراه دیگر فعالان حقوق بشر هند مراکز توان بخشی متعددی را به منظور تأمین امکانات برای کودکان بنا کرده‌اند.

ساتیاری تلاش‌های خود را از ۱۹۸۰ بر حقوق کودکان و مبارزه با کار اجباری آن‌ها قرار داده است. وی از پیشروان نهضت جهانی خاتمه دادن به بردگی کودکان است و تاکنون ده‌ها هزار کودک را از شرایط بد خارج کرده و امکان تحصیل آن‌ها را فراهم کرده است.

ساتیاری در واکنش به این خبر گفت که این جایزه «گرامی‌داشت همه آن کودکانی است که هنوز در بردگی رنج می‌کشند، به کار گمارده شده و یا قاچاق می‌شوند.» وی در هند، از فعالین سرشناس و پیشرو در مبارزه با کار کودکان محسوب می‌شود و تاکنون سازمانش ۸۰ هزار کودک را از کار اجباری خلاص کرده و به بازپروری و تحصیل آن‌ها کمک کرده است.

کتاب آشپزی دیکتاتورهای جهان

کتاب آشپزی دیکتاتورهای جهان شبیه کتاب‌های دیگر نیست. این کتاب شرحی تفصیلی از زندگی دیکتاتورها با معرفی غذاهایی است که آن‌ها می‌خوردند.

ویکتوریا کلارک و ملیسا اسکات، نویسندگان کتاب «آشپزی دیکتاتورها»، این کتاب را ترکیبی از تاریخ، آلبوم عکس و دستور غذاهای دیکتاتورهای معروف جهان همچون هیتلر و استالین می‌دانند.

آن‌ها در مقدمه کتاب خود نوشته‌اند: «ما امیدواریم این کتاب شما را سرگرم کند، با دستور غذاهایی لذیذ آشنا شوید، و همچنین به شما نشان دهد که فاصله بین افراد عادی و این دیکتاتورها چقدر باریک است.»

هیتلر: عکسی از هیتلر در حال صرف غذا با اوا براون، معشوقه‌اش: او معمولاً ۴۵ دقیقه بعد از چشیدن آزمایشی غذایش صبر می‌کرد تا از زهرآگین نبودن غذایش مطمئن شود.

می‌گویند که هیتلر گیاهخوار بوده، اما بر اساس اسناد به دست آمده او به گوشت مرغ بریان شده هم علاقه داشته است. ستالین: ستالین* عادت به مهمانی‌های پر سروصدا داشت و سوپ مرغ «ساتسیوی» از پیش غذاهای مورد علاقه اش بود.

موسولینی: او غذاهای ایتالیایی را بهترین در جهان می‌دانست، و دسر مورد علاقه‌اش «چیمابلونه» بود.

صدام حسین: ماهی کبابی تازه را خیلی دوست داشت، و گفته می‌شود که اغلب صبح خیلی زود آن را آماده می‌کردند.

معمّر قذافی: قذافی برای سفید نگهداشتن دندان‌هایش شیر شتر می‌نوشید.

کیم جونگ ایل: رهبر کوریای شمالی، مهمانی‌های مجلل می‌گرفت. او به سوپ باله کوسه خیلی علاقه داشت، ولی به دلیل ممنوعیت صید این ماهی، این کتاب آشپزی استفاده از سینه مرغ را به جای باله کوسه توصیه می‌کند.

سال ۲۰۱۴ را برای کتاب‌دوست‌ها «سال خوب»

روزنامه امریکائی واشینگتن پست در گزارشی که در این روزهای آخر سال ۲۰۱۴ منتشر کرده سال ۲۰۱۴ را برای کتاب‌دوست‌ها «سال خوب» توصیف کرده است، و این در این عصر اینترنت که جماعت کتاب‌خوان را هر روز بیشتر از پیش به خود جلب می‌کند کم‌ادعائی نیست.

نگاهی گذرا به آمار و ارقام از چاپ کتاب‌ها و تیراژ آن‌ها نشان می‌دهد که ادعای روزنامه واشینگتن پست، دست‌کم برای انگلیسی‌زبان‌ها، بیراه هم نیست.

در فوریه سال ۲۰۱۴، رمان اروتیک خانم ای.ال. جیمز با عنوان «پنجاه سایه خاکستری» رکورد صد میلیون نسخه فروش در سراسر جهان را ثبت کرد و، گرچه این کتاب همواره مورد تحقیر خوانندگان و منتقدان کتاب‌های اصطلاحاً جدی بوده، ثبت این رکورد دست‌اندرکاران نشر و کتاب را امیدوار کرد که کتاب همچنان نفس می‌کشد.

از طرف دیگر انتشارات عظیم رندم‌هاوس در ماه اکتبر گذشته با یک نویسنده امریکائی ۲۵ ساله که تاکنون فقط یک کتاب چاپ کرده است قراردادی به ارزش دو میلیون دالر بست برای سه کتاب که اولین‌شان «دخترها» نام خواهد داشت.

در همین سال یک کتاب که هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد به فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های سال راه یافت: کتابی از یک نویسنده و فیلسوف فرانسوی، درباره اقتصاد و سرمایه‌داری و نابرابری در جامعه امروزی.

کتاب حدوداً ۷۰۰ صفحه‌ای توماس پیکمتهی با عنوان «سرمایه در قرن بیست و یکم» با موضوع تاریخ اقتصاد در امریکا به فهرست پرفروش‌ترین‌ها راه یافت و همه را شگفت‌زده کرد. اما کتاب این نویسنده فرانسوی که به «راکاستار اقتصاددان‌ها» معروف شده فقط در امریکا پرفروش نشده است. آن طور که روزنامه بریتانیائی گاردین می‌گوید، کتاب

آقای پیکتی به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است. روزنامه فایننشال تایمز هم در دسته تجارت و اقتصاد این کتاب را به عنوان «کتاب سال» خود انتخاب کرد.

کتاب «چه باید کرد؟»

به گزارش رادیو فرانسه، کتاب «چه باید کرد؟» با عنوان فرعی «گفت و گو درباره کمونیسم و سرمایه‌داری و آینده دموکراسی» حاصل مجادلات دو متفکر معاصر فرانسوی «آلن بدیو» و «مارسل گُشه» است که به تازگی در ۱۵۷ صفحه توسط انتشارات «فلسفه» در فرانسه منتشر شده است.

کتاب شامل هشت فصل، یک مقدمه و یک نتیجه‌گیری است که طی آن دو فیلسوف فرانسوی سیر تحول سیاسی و فکری و همچنین چگونگی آشنائی‌شان را با کمونیسم و افکار مارکس توضیح می‌دهند و سپس با تشریح وضعیت سرمایه‌داری معاصر طرح‌ها و فرضیات‌شان را درباره نحوه خروج از سرمایه‌داری جهانی شده و گذار به جامعه‌ای دیگر پیش می‌نهند.

در فصل نخست کتاب «مارسل گُشه» از جمله نخستین همراهان «کورتولوس کاستوریادیس» و «کلود لوفر» طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ در نشریه معروف «سوسیالیسم یا بربریت» شرح می‌دهد که چگونه او در ادامه تاملات‌اش در خصوص مدرنیته و طرح «خودفرمانی» (اتونومی) رفته‌رفته از مارکسیسم فاصله گرفت و به نوعی سوسیالیسم دموکراتیک تمایل پیدا کرد، در حالی که «آلن بدیو» بر گذار خود از «سوسیالیسم» یا «سوسیال دموکراسی» به «کمونیسم» از اواخر دهه ۱۹۶۰ تأکید می‌ورزد.

در دومین فصل کتاب با عنوان «از مارکس تا لنین»، مارسل گُشه و آلن بدیو ترانزنامه انتقادی مارکسیسم را در پرتو تجربه تاریخی، یعنی انقلاب‌های سوسیالیستی سده بیستم، به ویژه انقلاب اکتبر روسیه ترسیم می‌کنند. در این بررسی «مارسل گُشه» از این موضع دفاع می‌کند که «افکار و اندیشه‌های مارکس ناخواسته به بستر سلطه‌ای تمامیت خواهانه» تبدیل شدند (ص. ۹). گُشه، این بستر را نظریه تاریخ مارکس می‌داند که بر پایه آن تحول جوامع انسانی نتیجه دگرذیبی ساختارهای اقتصادی است. در این بینش تاریخی ویژه مارکس، گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم از طریق الغای مالکیت خصوصی و تصاحب جمعی وسایل تولید صورت می‌پذیرد و استقرار کمونیسم سرآغاز پایان همه شکاف‌ها و تضادهای عمیقی معرفی می‌گردد که مولود جامعه سرمایه‌داری است. به همین دلیل به گفته «مارسل گُشه» طرح کمونیسم از منظر مارکس از آغاز در قالب یک «آشتی بزرگ» در همه ابعاد و عرصه‌ها و ایجاد نوعی «تمامیت اجتماعی یک‌دست» و بدون تناقض عرضه شده است.

گُشه، تصریح می‌کند: در حالی که از نگاه مارکس بحران‌های ادواری سرمایه‌داری که بیش از پیش اشکال خشنی به خود می‌گیرند به فروپاشی سرمایه‌داری منجر می‌شوند و در این بستر طبقه کارگر صنعتی آگاه از موقعیت و نقش تاریخی‌اش گذار به کمونیسم را تسهیل می‌کند، از نظر لنین هیچ عامل تعیین‌کننده ساختاری در درون سرمایه‌داری لزوماً زمینه انقلاب کمونیستی را فراهم نمی‌سازد. «از نظر لنین گسست از سرمایه‌داری نه به صورت «طبیعی»، بلکه با به کارگیری زور صورت می‌پذیرد.» و به همین دلیل، از نظر او باید فرآیند انقلابی را به صورتی روشن سازمان داد و شکل‌گیری خودجوش چنین فرآیندی را انتظار نکشید. (ص. ۳۰)

از نظر «گُشه»، منشا تحریف بزرگ افکار مارکس توسط لنین و چرخش فلسفی-سیاسی در قبال اندیشه‌های مارکس در همین تلقی ویژه از روند گسست انقلابی از سرمایه‌داری نهفته است. بر همین اساس «لنین حزب انقلابی آگاه و سازمان یافته را ابداع می‌کند که هدفش در دست گرفتن دولت به منظور نابود کردن آن است.» (ص. ۳۱). اما، بعد از انقلاب

اکتبر، حزب لنینی به ارگان گذار به کمونیسم و بنیاد رژیم جدید تبدیل شد، زیرا خود را مسلح به علم جدید، علم مارکسیستی، و در این معنا تجسم علم تاریخ می‌دانست.

بر همین اساس حزب بلشویک تحمیل ایدئولوژی خود را به کل جامعه به منظور گذراندن آن به مرحله علمی تکامل اش یعنی کمونیسم توجیه می‌کند و به همین طریق یک دیکتاتوری سیاسی و ایدئولوژیک در روسیه بعد از انقلاب اکتبر شکل می‌گیرد. مارسل گُشه، نتیجه می‌گیرد «همان اندازه که لنین چهره‌ای وارونه از مارکس ارایه می‌کند، به همان اندازه استالین یک لنینیست وفادار است.» (ص. ۳۲) تنها ویژگی استالین، از نظر مارسل گُشه، این است که او برای تسریع روند صنعتی شدن اتحاد شوروی از دهقانان سلب مالکیت کرد که این خود به جنگ داخلی میان حزب بلشویک و دهقانان و استقرار یک رژیم وحشت در روسیه منتهی شد.

در واکنش به ارزیابی «مارسل گُشه» درباره لنین و به ویژه مناسبات او با اندیشه‌های مارکس «آلن بدیو» ابتدا این ملاحظه کلی را مطرح می‌کند که لنین همانند مارکس بخش اساسی نظریه سیاسی‌اش را بر ترازنامه انتقادی از شکست کمون پاریس استوار ساخت. لنین نیز همانند مارکس علت اصلی این شکست را بی‌مسئولیتی رهبران کمون و در نتیجه فقدان سازماندهی جنبش انقلابی ۱۸۷۱ فرانسه می‌دانست. «بدیو» می‌گوید که بر اساس این ارزیابی لنین به این فرضیه می‌رسد که یک قیام عمومی در صورتی به پیروزی خواهد رسید که از سوی یک دستگاه حرفه‌ای، نظامی و شدیداً منضبط هدایت شود. بدیو، تصریح می‌کند که بر این مبنا انقلاب از نظر لنین یک هنر است. به بیان دیگر، سیاست اندیشه و عملی مستقل است که نمی‌توان آن را با علم اقتصاد یا علم تاریخ یکی گرفت. سیاست در انگاره لنین پهنه‌ای است که در آن عمل آگاهانه (یا سوژکتیویته) و سازمان دو عنصر حیاتی به شمار می‌روند. (ص. ۳۴)

...

جمع بندی

با بررسی وقایع مهم سیاسی جهان در سال جاری، می‌توان پیش‌بینی کرد که سال آینده، سال سخت و پرمشقتی برای مردم خاورمیانه، به ویژه اکثریت مردم ایران خواهد شد. بحران اقتصادی ایران و تورم و گرانی و بیکاری در ایران نفس‌گیر شده است.

در حال حاضر مذاکرات بین حکومت اسلامی ایران با گروه پنج به علاوه یک و امریکا با موضوع هسته‌ای در جریان است که به نظر می‌رسد در سال جدید به نتیجه نهائی منجر گردد. اما رقابت و کشمکش‌های جناح‌بندی‌های درون حکومت اسلامی از یکسو و بحران‌های فزاینده اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کل جامعه ایران از سوی دیگر، عمیق‌تر شود و چه بسا جامعه ما در آینده نه چندان دور، شاهد خیزش‌ها و جنبش‌های قوی سیاسی-اجتماعی سرنوشت‌سازی خواهد شد.

حکومت بشار اسد، پیشروی داعش در سوریه، عراق، لبنان و...، یا تضعیف و عقب‌نشینی این گروه اسلامی تروریستی، کشمکش غرب و روسیه بر سر اوکراین، مسأله خروج نیروهای اسرائیلی از سرزمین‌های فلسطینی‌ها، جنگ داخلی لیبی، از مسایل مهم سال آینده هستند. از سوی دیگر، احتمالاً کشمکش امریکا و کره شمالی نیز در سال ۲۰۱۵، بالا خواهد گرفت.

به علاوه سرنوشت کانتون‌های عفرین، جزیره و کوبانی در کردستان سوریه، بازسازی شهر کوبانی و بازگشت حدود دویست هزار آواره به این کانتون، از مسایل مهم سال ۲۰۱۵ محسوب می‌شوند.

مقاومت زنان و مردان قهرمان کوبانی در سال گذشته، یکی از مهم‌ترین وقایع منطقه برای همه نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب و کمونیست بود. مبارزان قهرمان کوبانی با هر اشکال و کمبودی، اما عملاً نشان داد که مردم هر

جامعه‌ای برای برقراری آزادی، برابری، عدالت اجتماعی عزم و اراده کند، قادر است با وجود همه فشارها و تهدیدها و سختی‌ها در مقابل تعرض دشمنانش بایستد و اجازه ندهد خانه و کاشانه و دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی‌شان را به تاراج ببرند و نابود سازند. زنان و مردان کوبانی دوش‌به‌دوش هم، نه تنها در مقابل داعش وحشی تا دندان مسلح مقاومت کردند، بلکه مهم‌تر از همه، قوانین مدنی و قوانین زنان را با مشارکت و دخالت مستقیم مردم به تصویب رساندند که در ۲۲ کشور عربی و کل خاورمیانه و آسیای سابقه است. همین سازماندهی آگاهانه و همین وقایع کوبانی به روشنی نشان داد که ساختن جهانی بهتر و انسانی‌تر و محو ظلم و ستم، نابرابری و تبعیض و نهایتاً استثمار انسان از انسان ممکن است.

به این ترتیب، مقاومت کوبانی درس‌های مهم و آموزنده‌ای برای همه نیروهای انقلابی مساوات‌طلب دارد. از جمله واقعه کوبانی نشان داد که بدون دخالت حکومت‌های غربی و منطقه‌ای می‌توان به آزادی و برابری واقعی دست یافت. از طرف دیگر، با ظهور گروه‌های تروریستی اسلامی مانند خلافت اسلامی در منطقه، یکبار دیگر دست حکومت‌های سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای، برای مداخله سرکوب‌گرانه و ارتجاعی در معادلات خاورمیانه باز شد. در این میان، اما کوبانی و در کلیتی بزرگ‌تر روژاوا (کردستان سوریه)، توانست منطق خودسازماندهی و خودگرانی و شورائی و دموکراسی مستقیم مردمی در خاورمیانه را به شکلی رادیکال و انقلابی، در مقابل دیدگان جهانیان قرار دهد و بسیاری از معادلات و ذهنیات موجود در منطقه را تغییر دهد.

در هر سه کانتون، یعنی جزیره، عفرین و کوبانی، زنان توانسته‌اند به شکل سیاسی-اجتماعی و با تکیه بر توانائی و مبارزات خود، الگویی نو برای زنان منطقه بسازند. در دل این جنبش مردمی، آزادی و استقلال زنان در قوانین و زندگی روزمره سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عملی شده است که می‌تواند هم‌زمان جرعه امید رهایی را در دل زنان خاورمیانه بزند. در جنبش روژاوا، علاوه بر زنان و مردان کرد، زنان و مردان دیگری چون ارمنی‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، چچن‌ها، ایزدی‌ها، مسیحی‌ها و غیره نیز در فضائی آزاد و برابر در این جنبش سهیم‌اند و مباره می‌کنند. به عقیده من، مسأله کوبانی که آوازه جهانی نیز پیدا کرد از دیدگاه هر فرد انسان‌دوست، مهم‌ترین واقعه سال گذشته بود و در سال جدید نیز این جایگاه و اهمیت را دارد از این رو، باید همچنان مورد توجه نیروهای انقلابی و کمونیست و آزاده قرار گیرد.

در سالی که گذشت یک مسأله مهم دیگر، تا آنجا که به جامعه ایران مربوط است نقش رسانه‌های فارسی زبان دولت‌هائی هم‌چون انگلیس (بی.بی.سی)، امریکا (رادیو فردا) و ... است. رسانه‌هائی که در خدمت جناح «اصلاح‌طلب» حکومت اسلامی بودند به ویژه میزگردهایشان.

این رسانه‌ها از هم‌اکنون میزگردهائی برای انتخابات آینده سال ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری برگزار می‌کنند. در حالی که در این سی و شش سال گذشته هیچ انتخابات حکومت اسلامی، حتا هیچ شباهتی به انتخابات پاکستان و ترکیه هم ندارد. به عبارت دیگر انتخابات در حکومت اسلامی، جابه‌جائی «مهندسی» شده جناح‌های درونی حکومت است.

شبه انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در دو دوره در اسفند ۱۳۹۴ و اردیبهشت ۱۳۹۵ و همچنین مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۳۹۴ برگزار خواهد شد. البته اگر حکومت اسلامی با شورش‌های شهری و اعتصابات کارگری مواجه نگردد.

مجلس خبرگان مجلس کسانی ست که به طور میانگین ۸۰ سال دارند برای مثال، ابولقاسم خزعلی که هم اکنون عضو مجلس خبرگان رهبری است ۹۰ سال دارد. واژه «کهولت» بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به ویژه بعد از رد صلاحیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وارد ادبیات سیاسی حکومت اسلامی ایران شد. در واقع این‌ها سهم خود را از قدرت

و ثروت می‌برند و آن‌چنان در سیاست‌های کشور دخالتی ندارند از این‌رو، هر چه به اصطلاح «بیت رهبری» فرمان می‌دهد آن‌ها اجرا می‌کنند.

در مقابل این تبلیغات رسانه‌های دولت‌های غربی، نیروهای انقلابی و کمونیست و سرنگونی‌طلب موظفند به طور مداوم از طریق رسانه‌های خود، تبلیغات این رسانه‌ها را که به نفع کلیت حکومت اسلامی است و در جهت ماندگاری جهل و جنایت اسلامی-فاشیستی، سرکوب و سانسور، زن ستیز و کودک آزار، شکنجه و اعدام در جامعه‌مان حرکت می‌کنند، افشا کنند. و نگذارند این رسانه‌ها نیز مانند رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی حکومت اسلامی، افکار عمومی را از واقعیت‌های جامعه ایران منحرف سازند. این حکومت مانند حکومت‌ها و گروه‌های شبیه خودش مانند بوکو حرام، خلافت اسلامی، شیوخ کشورهای عربی و غیره به دوران سپری‌شده و قرون وسطا تعلق دارد و شرم بشریت جهان امروز است. از این‌رو، دفاع مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه و غیرآگاهانه از حکومت اسلامی ایران و از جناح‌های آن، به معنای واقعی دفاع از بربریت و وحشی‌گری است!

با آرزوی این که در سال جدید مبارزه و مقاومت کوبانی، به ویژه مبارزه تحسین‌برانگیز و جسورانه برابری‌طلبانه زنان کوبانی، الگویی برای مردم منطقه و ایران باشد؛ سال تازه را یکبار دیگر به همه انسان‌های آزاده تبریک و شادباش می‌گویم و یاد همه جان‌باختگان راه آزادی را گرامی می‌دارم!

یکشنبه چهاردهم دی ۱۳۹۳ - چهارم ژانویه ۲۰۱۵

یادداشت:

گذشته از عدم توافق پورتال با طرز دید نویسنده در قسمت قرار دادن ستالین در کنار هیتلر و موسولینی که می‌تواند ملهم از اراجیف رسانه‌های امپریالیستی باشد، همان طوری که در متن نیز بدان اشاره شده، پورتال به هیچ صورت با طرز دید نویسنده در قبال افغانستان موافقت ندارد.

اداره پورتال AA-AA